

اخبار

پیش درآمدی بر یک هدف خیلی بزرگ؟

صعود رویایی فرانسه؛ همه برای کریم
تیم ملی فوتبال فرانسه با دو عنوان قهرمانی جام جهانی، دو قهرمانی جام ملت های اروپا و دو قهرمانی جام کنفدراسیون‌ها یکی از پودر های بلامنازع فوتبال دنیا و اروپا به حساب می آید؛ این تیم جام جهانی ۲۰۱۸ را قدرتمندانه فتح کرد؛ جامی که خیلی ها آن را حق نسل طلایی آبی ها می دانستند. این نسل سه سال بعد در اوج پختگی از فتح جام ملت های اروپا بازمانده؛ درست مثل دوره گذشته که در فینال از پرتغال شکست خورده بود. فرانسه در یورو ۲۰۲۱ در قامت قهرمان جام جهانی و فینالیست دوره گذشته و حضور کلی ضربه سرشار بخت نخست قهرمانی به شمار می رفت اما در یک هشتم نهایی مغلوب سوئیس شد و داعی زودهنگام با جام داشت.

در بازگشت دوباره کریم بنزما به تیم ملی فرانسه، این تیم قدرت بیشتری در خط حمله پیدا کرده بود و درخشش ستاره رنال با پیراهن تیم ملی، قابل توجه بود. او در بازی پایانی مرحله گروهی که تکرار فینال دوره گذشته بود هر دو گل فرانسه را در شب تساوی تیمش با پرتغال به ثمر رساند. فرانسه بعد از تساوی ۳-۳ مقابل سوئیس، در ضربات پنالتی مغلوب این تیم شده و با یورو ۲۰۲۱ وداعی زودهنگام داشت؛ حذف در مرحله یک هشتم نهایی برای تیمی که دوره قبل فینالیست شده بود، شکستی بزرگ محسوب می شد؛ اتفاقی که به شدت فرانسه را تحت فشار قرار داده و این تیم را به سوزه ای جذاب برای نقد توسط رسانه ها تبدیل کرد.

در حالی که یک سال به شروع جام جهانی ۲۰۲۲ باقی مانده، فرانسوی ها به دنبال حفظ نسل طلایی فعلی خود هستند، آنها همان گونه که خیلی از کارشناسان تأیید می کنند، یکی از مدعیان بالقوه جام جهانی قطر محسوب می شوند که اگر بتوانند با رفیع نوافلز جزئی فعلی شان کار را شروع کنند، می توان روز تکرار قهرمانی آنها با قاطعیت صحبت کرد و در موردش شرط بست.

حذف تلخ و غیرمنتظره از یورو ۲۰۲۱. پایستی پیش از شروع جام جهانی با یک اتفاق خوب از بین می رفت و چه چیزی بهتر از لیگ ملت های اروپا و کامبک رویایی که شاگردان دیدیه دشان امشب به پا کردند. آنها برای صعود به دیدار پایانی لیگ ملت های اروپا در برابر بلژیک قرار گرفتند و موفق شدند با جبران شکست ۲ بر صفر، حریف را با نتیجه ۳-۲ شکست داده و حریف اسپانیا در دیدار پایانی ششم، حال یک گام تا فتح لیگ ملت های اروپا باقی مانده و فرانسه می تواند با غلبه بر اسپانیا در این مسابقه، بار دیگر خود را به عنوان ابر قدرت شماره یک فوتبال اروپا معرفی کند. این تیم می تواند با فتح لیگ ملت ها، در شرایط روحی و روانی کاملا مساعد خود را برای جام جهانی قطر آماده کند، شرایطی که بعد از کسب بر آه امشب مقابل بلژیک، هواداران مغموم و نگران فرانسه را بار دیگر به وجد آورد.

شاگردان دشان در ورزشگاه یوونتوس مقابل بلژیک به میدان رفتند و موفق شدند با رقم زدن یک کامبک رویایی این تیم را حذف و خود راهی فینال شوند؛ آنها در دیدار پایانی مقابل اسپانیا قرار می گیرند و شکست این تیم برابر خواهد بود با ثبت یک جام بین المللی دیگر برای آبی ها؛ البته این جام یک نفلوت اساسی با جام جهانی ۲۰۱۸ دارد؛ کریم بنزما، ستاره باشگاه رئال مادرید که به خاطر یک اشتباه چندین سال پشت درهای بسته تیم ملی ماند در بازگشت دوباره به تیم ملی، کوهی از انگیزه است. او در رئال به هر چه می خواسته رسیده اما موفقیت های بین المللی، جای خالی خوبی دارد؛ است که او در کارنامه کاری کریم به چشم می خورد. بنزما در یورو تلاش زیادی کرد تا فرانسه هم را به مراحل بالاتر ببرد، او در کارش موفق هم بود اما شاگردان دشان از صعود به جام ۸ تیم نهایی بازماندند تا شانس کریم برای فتح جام با تیم ملی با توجه به شرایط سنی این بازیکن (۳۳ ساله) از بین برود. در لیگ ملت ها اما همه هوای کریم را داشتند و تا آخرین لحظه جنگیده برود را برای فرانسه به دست آوردند؛ کریم بنزما خود نیز در کسب این برد نقشی اساسی داشت؛ او بازی خوب خود مقابل بلژیک را با یک گل هوشمندانه و حریفه ای تکمیل کرد تا در ۲۴ بازی که این بازیکن برای تیم ملی فرانسه گلزنی کرده، برد شماره ۲۲ برای آبی ها به دست بیاید؛ فرانسه دو بازی دیگر خود را هم با تساوی به پایان رسانده است؛ این یعنی هر موقع کریم برای فرانسه گل زده، این تیم شکست نخورده است.

برای رقم خوردن کامبک رویایی فرانسوی ها همه چیز دست به دست هم داده بود. بعد از گل اول کریم بنزما در نیمه دوم که پاسخ تنها یکی از دو گل بلژیک بود، داور یک ضربه پنالتی برای آبی ها اعلام کرد که امپایه آن را به گل تبدیل کرد؛ این پنالتی پس از بازیبنی در VAR برای فرانسه اعلام شد و ستاره جوان این تیم در شرایطی به گل تبدیلیش کرد که آخرین پنالتی او برای فرانسه منجر به شکست این تیم از سوئیس در یورو ۲۰۲۱ شده بود؛ این بهترین زمان ممکن برای طلسم شکنی بود. در دقیقه ۸۸ بلژیک توسط لوکاگو به گل سوم دست یافت؛ ضدحال اساسی به فرانسوی ها پس از به تساوی کشاندن بازی اما دوام زیادی نداشت و یک بار دیگر VAR به کمک دشان و شاگردانش آمد. تصمیم گیری مردود اعلام شدن گل سوم بلژیک بود. یک دقیقه بعد از این اتفاق، فرانسه گل سوم را توسط تنو هرناندز به ثمر رساند.

گل سوم فرانسه درست یک دقیقه پس از مردود اعلام شدن گل بلژیک، یک درام کامل بود. این درام را هراندزی رقم زد که این اولین گل ملی اش (دومین بازی ملی) برای فرانسه به حساب می آمد. این گونه بود که فرانسه به دراماتیک ترین شکل ممکن فینالیست شد. حال کریم بنزما این فرصت را دارد که یک سال پیش از جام جهانی قطر با فتح لیگ ملت های اروپا، طعم اولین موفقیت ملی را بچشد؛ اتفاقی که بی شک مستحق آن است و فرانسه هم با داشتن ستاره های متعدد، پتانسیل رقم زدن آن را دارد.

پیش فصل ۱۹۹۱ است و منچستر یونایتد به تور نروژ رفته است. آنها دیداری در مولده در برابر ۳۰۰۰ هوادار در ورزشگاهی با تنها یک سکو و زمین چمنی بزرگ در سوی دیگر میدان برگزار می کنند.

الکس فرگوسن چندین نفر از هوادارانی که از راه دور آمده‌اند را به صرف نوشیدنی به هتل تیم دعوت کرده و پیشنهاد می‌کند که این هواداران با بازیکنانش بیرون بروند. او بازیکن دانمارکی ۲۷ ساله‌ای با موی آشفته بلوند و پیراهن صورتی را معرفی می‌کند: «این پیتر است، دروازهبانی که به تازگی از دانمارک به خدمت گرفته‌ام».

سپس فرگوسن طوری به پشت پیتر بولسلوا اشمایکل ضربه می‌زند که انگار به او افتخار می‌کند، همین طور هم باید باشد چرا که پرداخت هزینه ۵۰۵ هزار پوندی برای خرید او به یکی از ارزان‌ترین خریدهای بازیکنان بزرگ و درخشان در تاریخچه سال‌های اخیر فوتبال تبدیل شد. او با توصیه آلن هاجکینسون، دروازبان سابق تیم ملی انگلیس، به مشاوره‌هایی را به صورت انفرادی ارائه می‌کرد. او به فرگوسن گفت: «در درخشش در شکی نیست، جذبش کن» و سرمربی یونایتد نیز پیش ازجذب این بازیکن «دهه بار تماشایش کرد».

مارتین ادواردز، مدیر یونایتد برای بیش از ۲۰ سال، گفت: «در بررسی دوران حضور در منچستر یونایتد همیشه گفته‌ام که دو خرید برترم اریک کانتونا و پیتر اشمایکل بودند».

اشمایکل یکی از بهترین دروازبان‌های فوتبال بود و شماری که سکوها برای او ساخته بودند، از روی موسیقی متن فیلک وایکینگ‌ها در سال ۱۹۵۸ را بازی درخشان کرک دادگلاس بوده است. «شعار «اشمایکل! اشمایکل! ده، ده، ده، ده، ده، ده» از سوی دو هوادار سرخوش پایین سکوها در دیدار خارج از خانه برابر اورتن در سال ۱۹۹۲ شروع شد، خیلی زود به محبوبیت رسید و جز شعارهای اصلی دهه ۱۹۹۰ میلادی بود که این بازیکن دانمارکی در طول آن ۲۹۸ بازی برای منچستر یونایتد انجام داد؛ آماری که اخیرا داوید دخیا از آن عبور کرد. تنها الکس استینی بیشتر از این در دروازه یونایتد قرار گرفته است.

او در سال ۱۹۹۱ به باشگاهی پیوست که به تازگی در لیگ ششم شده بود و پس از فتح سه‌گانه این تیم را ترک کرد؛ هرچند کمی زمان برد تا با جنبه فیزیکی فوتبال انگلیس سازگار شود. فرگوسن به خاطر می‌آورد: «او برابر «تیم دیوانه» ویملدون به میدان رفت. آنها حملاتی ردعاسا به سمتش داشتند، آنها مثل بمب روی سرش می‌ریختند و با آرنج به او ضربه می‌زدند. اشمایکل دیوانه شده بود و به سمت داورها فریاد می‌زد تا کمکش کنند- داور، داور!»

من از نزدیک شاهد این صحنه بودم و با خودم فکر کردم که او هیچ شانسى ندارد. پیتر در یکی دیگر از اولین بازی‌هایش برای مهار سانتی به تیر دوم رفت و با فاصله زیادی آن را از دست داد، او چنین اشتباهی را وقتی در حال سازگاری با شرایط بازی بود، انجام می‌داد و مردم می‌گفتند چرا او را خریدیم؟ اما او فیزیک باورنکردنی‌ای هم داشت. او دروازه را پوشش می‌داد و جسور بود. پخش توپ او شگفت‌انگیز بود. همه این ویژگی‌ها در آن روزهای دشوار ابتدایی به کمکش آمدند.»

و مردی بزرگ با شخصیتی بزرگ

و دوست‌داشتنی بود اما رفتار اشتباهی با هم‌تیمی‌هایش داشت.

فرگوسن گفت: «او رابطه عشق-نفرت جالبی با استیو بروس و گری پالیسٹر داشت. او از دروازه بیرون آمده و بر سر آنها فریاد می‌کشید و بروس می‌گفت به دروازه‌ات برگرد عوضی آلمانی! اشمایکل از این جمله متنفر بود. او زمزمه می‌کرد من آلمانی نیستم. هرچند آنها بیرون از زمین دوستان بسیار هم‌تیمی‌هایش داشت.»

فرگوسن گفت: «او رابطه عشق-نفرت جالبی با استیو بروس و گری پالیسٹر داشت. او از دروازه بیرون آمده و بر سر آنها فریاد می‌کشید و بروس می‌گفت به دروازه‌ات برگرد عوضی آلمانی! اشمایکل از این جمله متنفر بود. او زمزمه می‌کرد من آلمانی نیستم. هرچند آنها بیرون از زمین دوستان بسیار هم‌تیمی‌هایش داشت.»

فرگوسن گفت: «او رابطه عشق-نفرت جالبی با استیو بروس و گری پالیسٹر داشت. او از دروازه بیرون آمده و بر سر آنها فریاد می‌کشید و بروس می‌گفت به دروازه‌ات برگرد عوضی آلمانی! اشمایکل از این جمله متنفر بود. او زمزمه می‌کرد من آلمانی نیستم. هرچند آنها بیرون از زمین دوستان بسیار هم‌تیمی‌هایش داشت.»

بستن قرارداد با کارگزار باعث می‌شود این دو باشگاه مبلغ نسبتاً خوبی را در اختیار داشته باشند تا بتوانند هزینه‌های خود را پوشش دهند اما این قضیه خودش مشکلات فراوانی هم دارد. یکی از این مشکلات این است که قرارداد با کارگزار با وجود دریافت مبالغ هنگفت باز هم کفاف هزینه‌های سرسام‌آور این دو باشگاه را نمی‌دهد و مدیران این دو تیم هم اساساً اعتقادی به مدیریت هزینه ندارند و همین امر باعث می‌شود اگر بازی حتی بیشتر از تعهداتش هم پرداخت کند و بعضاً مبالغ قرارداد سال بعدی هم پیش‌خور می‌شود. از طرفی بستن قرارداد با کارگزار تمام راه‌های دیگر دو باشگاه برای درآمدزایی را از بین می‌برد و آن‌ها نمی‌توانند روی دیگر روش‌ها حساب کنند. صرفاً فصلحات مجازی این دو باشگاه بستر مناسبی برای درآمدزایی است ولی قرارداد با کارگزار دست دو باشگاه را بسته و مناسی برای از این منبع استفاده کنند. کارگزارها بعضاً صفحات مجازی دو باشگاه را هم در اختیار می‌گیرند که این خودش حواشی را هم در پی داشته است.



خوبی بودند. اشمایکل در زمین شخصیت بسیار پرچوش و خروشی داشت.»

پالیسטר، مدافع میانی که در بیشتر سال‌های آن دهه به همراه بروس جلوی او بازی کردند، گفت: «پیتر مرد دانمارکی بزرگ و متکبر بود و بهترین دروازبان جهان به مدت پنج سال به حساب می‌آمد. ما در زمین می‌جنگیدیم اما پس از بازی همه چیز به دست فراموشی سپرده می‌شد. من و بروس ممکن بود با هم بحث کنیم اما پس از بازی در حمام نشستیم و به این اتفاق می‌خندیدیم. اشمایکل گفت: «این موضوع هرگز جدی نبود. من و بروس دوست و همسایه بودیم، ما فقط همدیگر را سرحال نگه می‌داشتیم و من از آنها می‌خواستم بدانند که من پشت‌شان قرار دارم و من امان هستم».

مدافعان او تنها کسانی نبودند که این دروازبان که برایان کید، کمک مربی تیم، به او لقب «ملّای دیوانه» داده بود، با آنها درگیر شد. اشمایکل در اقدامی خطرناک‌تر از دانشجوی کردی که در جریان بازی مقابل گالاتاسرای، پرچم ترکیه را در اولدترافورد آتش زده بود، نیز برخورد جدی داشت.

او در حدی که یک دروازهبان می‌توانست، در مناطق بسیاری از زمین در هنگام نیاز حضور داشت. این بازیکن دانمارکی در دیدار جام یوفا در سال ۱۹۹۵ برابر روسی ولگوگراد پیش رفت و موفق شد گلی را در دقیقه ۸۸ به ثمر رسانده و بازی را به تساوی ۲-۲ در مجموع دو بازی رفت و برگشت برساند تا رکورد شکست‌ناپذیری یونایتد در خانه در مسابقات اروپایی را حفظ کند. اشمایکل ستاره قهرمانی دور از انتظار دانمارک در جام ملت‌های اروپای ۱۹۹۲ بود و خیلی زود در انگلیس نیز به موفقیت رسید. یونایتد در فصل پیش از جذب او از چهار دروازهبان استفاده کرد که آخرین آنها «لس سیلی» بود که هیچ وقت قرار نبود خریدی بلندمدت باشد. اشمایکل این روند را تغییر داد.

او گفت: «همیشه تردیدهایی درباره دروازهبان یونایتد وجود داشت و من خوشحالم که این تردیدها را از ذهن مردم پاک کردم». سلطه او بر این پست به این معنا بود که گری والش، جانشین او، مجبور به جدایی شد. والش می‌گوید: «من رابطه خوبی با اشمایکل داشتم. او بهترین دروازهبان تاریخ بود. من از آنقدر فنی دروازهبان‌های بهتری دیدم‌ام حاضر، اعتماد به نفس و زیرکی او غیرقابل مقایسه بود. او با بسیار رقابت‌جو بود و در تمرینات همیشه از بقیه پیشی می‌گرفت».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار دارید. ناامیدی من بیشتر شد و خواهان جدایی بودم. می‌خواستم روی پای خودم باشم چون حتی وقتی پیتر مصدوم بود و جانشینش می‌شد، هم مردم مهارهای من را به او تشبیه می‌کردند. پذیرش این موضوع برایم دشوار بود».

والش در سال ۱۹۹۵ از این تیم جدا شد: «آهسته شدن برای بازی سخت بود، حتی با این که می‌دانستید روی نیمکت قرار